

امام علی (ع)، انسان ناشناخته

دکتر کاظم محمدی

Dr. Kazem Mohammadi

محمّدی، کاظم، ۱۳۴۰.

امام علی (ع)، انسان ناشناخته / کاظم محمّدی.

کرج نجم گیری، ۱۳۹۲.

۷۲ ص.

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۱-۷

شابک

علی بن ابی طالب (ع)، امام اوّل، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.

فضایل

کتابنامه

BP ۳۷/۴ الف ۱۳۹۲

۲۹۷/۹۵۱

۱۳۹۲

۳۱۹۷۲۹۱

نام کتاب: امام علی (ع)، انسان ناشناخته

نویسنده: دکتر کاظم محمّدی

انتشارات: نجم گیری

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و نشر اوقاف

تیراژ: ۱۵۰۰

سال انتشار: ۱۳۹۳

بها: ۳۵۰۰۰ تومان

نوبت چاپ: اوّل

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۰۵-۳۱-۷

فهرست

۹	مقدمه
۸۹	۱- حبّ علی (ع)
۱۰۷	۲- دوستی و دشمنی با علی (ع)
۱۱۹	۳- ولایت علی (ع)
۱۶۳	۴- علی (ع) جواز ورود به بهشت
۱۷۳	۵- علی (ع) قسیم بهشت و دوزخ
۱۸۷	۶- علم علی (ع)
۲۲۳	۷- علی (ع) باب علم رسول
۲۵۷	۸- وجه علی (ع)
۲۶۹	۹- زینت علی (ع)
۲۷۳	۱۰- علی (ع) نفس رسول
۲۹۳	۱۱- علی (ع) برگزیده‌ی خدا
۳۰۵	۱۲- خصال علی (ع)

- ۳۱۷ - ۱۳- فضائل علی (ع)
- ۳۳۷ - ۱۴- علی (ع) برادر رسول
- ۳۴۷ - ۱۵- علی (ع) وصی و خلیفه ی رسول
- ۳۵۹ - ۱۶- خلقت نورانی علی (ع)
- ۳۶۳ - ۱۷- زینب علی (ع) و رسول
- ۳۶۹ - ۱۸- نسل رسول خدا
- ۳۷۵ - ۱۹- سید عالم علی (ع)
- ۴۰۵ - ۲۰- اذن کربلا علی (ع)
- ۴۲۷ - ۲۱- عدالت علی (ع)
- ۴۳۳ - ۲۲- اسلام علی (ع)
- ۴۴۳ - ۲۳- عقی (ع) حجه حد
- ۴۴۷ - ۲۴- شباهت علی (ع) و عیسی (ع)
- ۴۵۵ - ۲۵- علی (ع) پدر ائمه
- ۴۷۱ - ۲۶- علی (ع) امیر المؤمنین
- ۴۸۱ - ۲۷- علی (ع) صاحب سر رسول
- ۴۸۷ - ۲۸- از علی (ع) پرسیده می شود
- ۴۹۳ - ۲۹- ازدواج علی (ع) و فاطمه (س)
- ۵۱۳ - ۳۰- حدیث منزلت
- ۵۲۵ - ۳۱- علی (ع) امیر البرره
- ۵۲۹ - ۳۲- علی (ع) عروة الوثقی
- ۵۳۵ - ۳۳- علی (ع) صدیق اکبر
- ۵۴۳ - ۳۴- علی (ع) فاروق اکبر

۵۴۹	۳۵- علی (ع) باب دین
۵۵۳	۳۶- ایثار علی (ع)
۵۶۱	۳۷- علی (ع) هادی امت
۵۶۹	۳۸- علی (ع) و قرآن
۵۸۳	۳۹- علی (ع) و جهاد
۶۱۳	۴۰- علی (ع) حجت خدا
۶۱۵	۴۱- خدا - قرآن و علی (ع)
۶۲۱	۴۲- حدیث نقلین
۷۰۷	کتابنامه

مقدمه
امام علی
«انسان ناشناخته»

ای مگس عرصه‌ی سمرغ به جولانگه نوست
عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری

سخن گفتن از مردی آسمانی چونان علی (ع) کاری صعب و دشوار است وقتی نظریات بزرگان را درباره‌ی او می‌بینیم که چه‌سان آن حضرت برای این بزرگان اعجاب‌انگیز و حیرت‌آور است کار در تعریف و توصیف و تحلیل شخصیت وی هر دم دشوارتر و سخت‌تر می‌شود. در بین بزرگان عرفان و حکمت و کلام و فقه و سایر رشته‌های دینی به‌مانند حدیث و تفسیر، کمتر

کسی است که از آن حضرت یاد نکرده و در شأن والای وی و در بلندی مقام علمی اش سخن نگفته و به بهترین وجه او را نستوده باشد، که او در این نگاه بزرگِ بزرگان است و سخن گفتن از چنین بزرگی که بزرگان را به حیرت درآورده و مات و مبهوتشان کرده البته که کاری نه آسان است.

یکایک کلمات جاری شده از زبان حضرتش در خلال اندیشه‌ها و نوشته‌های بزرگان ثبت است و دقائق و لحظه لحظه‌ای حرکات او الگو و سرمشق نگارندگان دینی گشته است. و در طول تاریخ شاید کسی وجود نداشته باشد که همه را به خود این چنین جلب و جذب کرده باشد که حتی دشمنان او به خود جرأت بد گفتن و ناراست اندیشیدن درباره‌ی او را ندهند که او راست راستان و بزرگ بزرگان است.

هرکسی که اندک انصافی الهی و جوی شرفی انسانی و غیرت دینی داشته باشد البته که نمی‌تواند او را نپذیرد، بدینی است که انصاف و شرف، زمان و مکان، رنگ و نژاد، زبان و فرهنگ و دین و مرامی خاص نمی‌شناسد، در هرجائی ممکن است باشد و لذا هرکس انصاف و شرف داشته باشد او را می‌ستاید و در بلندی شأن و عظمتش داد سخن می‌دهد و کسی را برابر با او نمی‌کند و نسبت به حضرتش دست به «قیاس» که کار شیطان است نمی‌زند.

امام علی (ع) که همه شیفته‌ی اویند گاه باید در کلام اهل فن در رشته‌های مختلف دینی - انسانی جست‌وجویش کرد. گاه باید در کلام خود و نیز گاه باید در ظرایف سخنان نبی خاتم (ص) نگریند. آنچه که گویندگان صاحب فن، در هر رشته‌ای از او بگویند البته که با فهمی بشری و مقیاسی انسانی و عقلانی صورت می‌گیرد. بدیهی است که یک حکیم، یک عارف، یک فیلسوف، یک فقیه، یک محدث، یک مفسر، و یک عالم در حوزه‌ی فهم و دانش خود او را می‌یابد و می‌شناسد و بیش از آن نه برای ایشان مقدور است و نه توان آنان بر این را اجازت می‌دهد. با این که برخی از صاحبان فنون برسمردند، در کار خود بی‌نظیر زمان بوده‌اند اما با این همه آنچه از او می‌گویند به قدر او نیست بلکه به اندازه‌ی فهم خود آنان است. و این‌ها همه نشان از کامل بودن او است و او انسانی کامل است و انسان کامل در حصر کلام و اسارت بیان نمی‌گنجد، فهم‌ها عاجز و کوتاه و حلق‌ها تنگ و ناتوانند و واژه‌ها کوچک و نارسا. انسان کامل که در همه‌ی ابعاد وجودی خویش کامل گشته هیچ‌گاه در انحصار فهم یک شخص در نمی‌آید و هیچ‌گاه دام اندیشه و بیان یک عالم نمی‌تواند وی را به اسارت بگیرد به گونه‌ای که همه‌ی او را دربرگیرد و به تمامی از او سخن بگوید. یک فیلسوف که فلسفه را به خوبی فهم و

درک کرده و به راستی به این نام راه برده است با آن که دارای ویژگی‌های خاص است و انسانی نایاب و دیریاب محسوب می‌شود اگر بخواهد از او سخن بگوید با فهم فلسفی او را فلسفه دانی عالی و فیلسوفی بی‌نظیر می‌یابد و همین است حال یک عارف، یک حکیم، یک فقیه، یک مفسر و یک دانشمند و این‌ها همه بخشی از وجود اوست نه همه‌ی وجود او و باز این فهم‌ها همه بخشی از فهم آنان نسبت به کوهی است که آن‌طرفش ناپیداست و بخشی از یک اقیانوس است که به منظر چشم درمی‌آید، مابقی آن چه می‌شود؟

در نظر اینان علی (ع) یک عارف کامل، یک حکیم نکته‌دان، یک فقیه دانا، یک فیلسوف جامع و یک مفسر بی‌نظیر است، اما این همه‌ی وجود او نیست، این‌ها چند دایره از بی‌نهایت دوائر ناشناخته‌ی وجود دست‌نیافتنی علی (ع) است. خداشناسی علی، دینداری و دین فهمی علی، عدالت علی، صبر علی، حلم علی، سکوت علی، جهاد علی، خلوت علی، سخن علی، فهم علی، درد علی، زیستن علی و شهادت علی خود حکایتی دیگر است که در ظرف زمان و مکان، و در حصر لفظ‌ویان نمی‌گنجد.

پس علی (ع) را بیش از این که از نگاه دیگران که خود در حصار تنگ عقل و احساس گرفتارند باید در کلام آزاد و رسای

خود او جست و جو کرد و البته که حیا و شرم او نیز اجازت نمی - دهد که در جانی که او هست از خود بگوید. ولی در عین حال یکی از بهترین راه های شناخت علی (ع) دقت در کلام خود اوست در زمانی که به معرفی خود پرداخته است. و از آن بهتر کلام حضرت خاتم الانبیاء، محمد مصطفی است، آن گاه که امام علی (ع) را توصیف و تعریف کرده و برای شخص یا اشخاصی معرفی می کند. کلامی برخاسته از وحی الهی. و نگاهی لایتنامی و آسمانی. کلام خداوند او حلقوم پاک رسول آخرین!

هر چند مجانی نیست که کلام بزرگان علم را در شان حضرتش یکایک نقل کنیم و بلندی مقام او را از نگاه ایشان جست و جو نماییم اما با ایس حال نمی توان از نگاه اندیشمند و عارفی چون مولانا جلال الدین در این باره صرف نظر کرد. لذا ابیاتی از او که علی (ع) را ذاتی متعالی و سیر علی دست نیافتنی می داند می آوریم تا چنان که راقم خود از کلام مطهر او به شور و شعف آمده است خواننده ی محقق منصف نیز به آن دست یابد و چونان او، علی (ع) را «جمله عقل و دیده» بداند، «ترازوی احمد خو» یش بنامد، «زبانهای هر ترازو» یش بشناسد. و «افتخار هر نبی و هر ولی اش» بداند.

او در مثنوی بی نظیر خود می گوید:

از علی آموز اخلاص عمل
شیر حق را دان منزه از دغل
در غزا بر پهلوانی دست یافت
زود شمشیری بر آورد و شتافت
او خدو انداخت بر روی علی
افتخار هر نبی و هر ولی
او خدو انداخت بر روئی که ماه
سجده آرد پیش او در سجده گاه
در زمان انداخت شمشیر آن علی
کرد او اندر غزایش کاهلی
گشت حیران آن مبارز زین عمل
وز نمودن عفو و رحم بی محل
گفت بر من تیغ تیز افراستی
از چه افکندی مرا بگذاستی
آن چه دیدی بهتر از پیکار من
تا شدی تو سُست در اشکار من
آن چه دیدی که چنین خشم نشست
تا چنان برقی نمود و باز جست
آن چه دیدی که مرا ز آن عکس دید